

*Research Article*

***A general study of the disproportionality in criminalization resulting from the law reducing the punishment of imprisonment with an approach to Imami jurisprudence.***

Hamzeh naderi <sup>۱</sup>, Akbar rajabi<sup>۲</sup> Samira gholkhandan<sup>۳</sup>

Received: ۲۰۲۴/۰۷/۰۹

Accepted: ۲۰۲۴/۱۱/۱۱

**Abstract**

*Imprisonment is one of the main punishments in all legal systems. Throughout history, various functions have been considered for the punishment of imprisonment, the function of correction and rehabilitation can be mentioned as the last one, although this function has also led to failure in practice, so that we cannot expect much from imprisonment and prison. Reformed and rehabilitated criminals. For this reason, approaches to this punishment have changed and in most legal systems, measures have been taken to reduce the use of imprisonment. It is important that the element of proportionality in criminalization is not lost by reducing the prison sentence. The law on reducing the punishment of imprisonment has also been approved in this regard; but in practice, it has led to the disappearance of the element of proportionality in criminalization and as a result impunity for a wide range of crimes directly and indirectly. For this reason, by examining the wise findings of jurists and jurists, with the analytical-descriptive method, by introducing the jurisprudential foundations of the necessity of matching the crime with the punishment and the benefits of proportionate punishment. The reason for the necessity of revising this law in a short period of time after its approval and implementation in order to establish proportionality in the criminalization of some of the crimes included in this law seems necessary.*

**Keywords:** *Penalty imprisonment, reduced punishment, proportionality in criminalization, impunity.*

---

<sup>۱</sup> - PhD student in Criminal Law and Criminology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

<sup>۲</sup> - Faculty member, Department of Criminal Law and Criminology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran (Corresponding author). [a.rajabi۱۳۰۳۰۲@gmail.com](mailto:a.rajabi۱۳۰۳۰۲@gmail.com)

<sup>۳</sup> - Faculty member, Department of Criminal Law and Criminology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.



بررسی عمومی عدم تناسب در جرم انگاری حاصل از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رویکردی بر فقه امامیه

حمزه نادری<sup>۴</sup>، اکبر رجبی<sup>۵</sup> سمیرا گل خندان<sup>۶</sup>

چکیده

مجازات حبس به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی در تمامی نظام‌های حقوقی بوده و می‌باشد. کارکردهای مختلفی در طول تاریخ برای مجازات حبس در نظر گرفته شده است که کارکرد اصلاحی و بازپروری را می‌توان به عنوان آخرین آنها نام برد که البته این کارکرد نیز در عمل منجر به شکست شده است به نحوی که نمی‌توان از حبس و زندان انتظار زیادی برای اصلاح و بازپروری مجرمین داشت. به همین دلیل رویکردها نسبت به این مجازات تغییر کرده و در بیشتر نظام‌های حقوقی اقداماتی در راستای کاهش استفاده از مجازات حبس در نظر گرفته شده است. مهم این است که با کاهش مجازات حبس، عنصر تناسب در جرم انگاری زایل نشود. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نیز در همین راستا تصویب شده است؛ اما در عمل منجر به زایل شدن عنصر تناسب در جرم انگاری و در نتیجه بی‌مجازات‌ی طیف وسیعی از جرایم به طور مستقیم و غیرمستقیم شده است. به همین دلیل لزوم بازنگری در این قانون، در مدت کوتاهی پس از تصویب و اجرای آن به منظور برقراری تناسب در جرم انگاری برخی از جرایم مشمول این قانون ضروری به نظر می‌رسد. **واژگان کلیدی:** حبس تعزیری، کاهش مجازات، تناسب در جرم انگاری، بی‌مجازات‌ی.

<sup>۴</sup>- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

<sup>۵</sup>- عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول).

[a.rajabi130303@gmail.com](mailto:a.rajabi130303@gmail.com)

<sup>۶</sup>- عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

مجازات‌هایی که برابر مقررات قانونی، محکوم علیه را بتوان به موجب حکم قطعی به صورت دائم یا غیردائم یا موقت حبس کرد، مجازات سالب آزادی گفته می‌شود که "از این نظر که آزادی رفت و آمد، اشتغال، سکونت در محل و... را از محکوم علیه سلب می‌کند، بدین نام خوانده می‌شود." (توجهی و ابراهیم وند، ۱۳۹۳: ۸۱) و یکی از این مجازات‌ها که

۶۶

حبس می‌باشد و به عنوان متداول‌ترین کیفرها است و "استفاده از آن از دیرباز در نظام‌های حقوقی و اجتماعی مرسوم مبانی حقوق اسلامی بوده است." (حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۹۳: ۱۸) در اصطلاح حقوق جزا، "سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین و نامحدود، به طوری که در زمان آن، حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد، حبس خوانده می‌شود." (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۲۰۸) یکی از مجازات‌های اصلی در نظام حقوق کیفری ایران و در ارتباط با جرایم تعزیری، مجازات حبس است. حبس یا همان مجازات سالب آزادی، با توجه به اصل تناسب جرم و مجازات، میزان مجازات‌ها به نسبت جرم‌ها و اهمیت آن، به کوتاه مدت و بلند مدت، قابل تقسیم است. البته مفهوم حبس کوتاه مدت به درستی روشن نیست و تاکنون کیفرشناسان تعریف جامعی از آن به دست نداده‌اند. برخی زندان‌های تا یکسال را کوتاه مدت تلقی کرده‌اند، ولی آنچه معمول است "این عنوان درباره زندان‌های تا ۶ ماه بیشتر به کار برده می‌شود" (جواهری، ۱۳۹۰: ۳۴) و بیشتر از آن نیز مجازات حبس بلند مدت است. از لحاظ ماهیت اعتبار یا حقوقی حبس هم می‌توان گفت بسته به نوع نظام حقوقی و تعبیرهای پذیرفته شده در آن، حبس به صفات خاصی متصف می‌گردد. این صفات علی‌الاصول برای فردی که در آن زندان خاص قرار می‌گیرد، دارای بار حقوقی و آثار خاص می‌باشد." (حاجی تبار فیروزجانی، ۱۳۹۳: ۲۵) یکی از موضوعات مورد مناقشه در مورد مجازات حبس، مدت آن است. در حالیکه قانون مجازات اسلامی در ارتباط با حبس در جرایم تعزیری مدت‌هایی را پیش بینی کرده است، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در مقام کاهش این حبس در برخی از شرایط برآمده است. این قانون در جلسه علنی روز سه شنبه ۹۹/۰۲/۲۳ تصویب شد و طی نامه شماره ۲۸۷۵۷ مورخ ۹۹/۰۳/۲۲ از سوی رئیس جمهور ابلاغ گردید. طرح اولیه این قانون بدین صورت بود که در سال ۱۳۹۸ طرحی در مجلس دهم شورای اسلامی مطرح شد که به واسطه آن تغییرات نسبتاً گسترده‌ای در قوانین کیفری ایجاد می‌نمود. در ارتباط با این قانون دو موضوع مهم و اساسی مطرح می‌شود، یکی اینکه نگاه مقنن ایران از حیث مبانی برای تصویب این قانون چه بوده است، چنانچه به مستندات مربوط به این قانون و همچنین روند تصویب آن و مذاکرات صورت گرفته برای این قانون مراجعه کنیم، می‌توانیم منظور مقنن را متوجه شده و از حیث مبانی به تحلیل آن پردازیم. در مقدمه توجیهی طرح اولیه تحت عنوان "تقلیل مجازات حبس تعزیری" مصوب آبان ماه ۱۳۹۸ که با ایراداتی از شورای نگهبان مواجه شد، پنج مبنای مختلف برای این قانون بیان شده است که عبارت هستند از: ۱- ضرورت بازنگری در مجازات‌ها، ۲- تقلیل جمعیت زندانیان ۳- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی مربوط به اداره زندانیان ۴- عدم وجود ملاک قضایی و منطق حقوقی در تعیین مجازات حبس تعزیری برای جرائم مختلف و ۵- عدم انطباق مجازات حبس با احکام شرعی و فقدان سابقه در حکومت اسلامی عصر پیامبر (ص). چنانچه این دلایل و مبانی را برای لزوم تصویب این قانون بپذیریم که البته این مبانی هر یک در جای خود و به تنهایی قابل دفاع است، پس بایستی قانون جدید که برای رسیدن به اهداف مذکور در این مبانی به تصویب می‌رسد، حتما راهکارهایی را نیز برای نیل به این اهداف ارائه دهد و عبارت دیگر قانون صرفاً جنبه سلبی نداشته باشد و در مقام ایجاب بتواند راهکار هم ارائه دهد. به

عنوان نمونه در جایکه به عنوان یکی از مبانی مهم تصویب این قانون گفته می‌شود که « ملاک قضایی و منطق حقوقی در تعیین مجازات حبس تعزیری برای جرائم مختلف » در وضعیت قبل از تصویب این قانون وجود ندارد، جامعه حقوقی این انتظار را دارد که قانون جدید بتواند یک ملاک قضایی و منطق حقوقی مشخصی را برای تعیین مجازات حبس تعزیری ارائه دهد، در حالیکه در این قانون کوچکترین اثری از ارایه یک ملاک و معیار مشخص و همچنین منطق حقوقی خاص مشاهده نمی‌گردد و فقط در یک حکم کلی و با شرایطی مجازات حبس تعزیری کاهش یافته است. زندان که روزگاری تأسیس آن موجب افتخار حکمرانان و جرم‌شناسان بوده است، « امروزه، به دلیل ناموفق بودن در رسالت خویش به لحاظ افزایش بی‌رویه‌ی زندانیان و یا تورم جمعیت کیفری در نظام جزایی دولت‌ها، به یک بحران تبدیل شده است » (میلکی، ۱۳۸۵: ۲۱) این قانون با ورود به حیطه جرم انگاری و تغییر مجازات‌های تعیین شده برای برخی از جرائم، به حیطه عنصر تناسب ورود پیدا کرده است و فرض اولیه در این تحقیق این است که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری موجب زایل شدن عنصر تناسب در جرم انگاری شده است و در مواردی نیز بی‌کیفری حاصل از این قانون را می‌توان مشاهده کرد. در جهت تحلیل این موضوع این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است و بدین منظور مقاله از سه قسمت به بررسی موضوع می‌پردازد. در قسمت اول به بررسی مصادیف مجازات‌های کاهش یافته می‌پردازد؛ در قسمت دوم به وضعیت اصل تناسب در این قانون پرداخته و در قسمت سوم به بی‌کیفری حاصل از این قانون اشاره می‌کند.

## ۱- مبانی اسلامی تناسب جرم و مجازات

### ۱-۱- آیات قرآن

عقل و شرع بر این نکته تأکید دارند که مجازات باید متناسب با میزان جرم باشد، بنابراین عقلانی و بلکه شرعی نیست که شخصی را به جرم دزدی تکه نانی به حبس ابد محکوم کنند و او را از همه حقوق اجتماعی محروم سازند. از نظر عقل و شرع، عدم تناسب میان جرم و جزاء، از مصادیق بی‌عدالتی و ظلم است. از این رو قرآن بیان می‌کند که مجازات و کیفری که خداوند می‌کند همواره بر اساس عدل خواهد بود.

### ۱-۱-۱- آیه ۲۶ سوره مبارکه نبا

آیه ۲۶ سوره نباء از «جزاء وفاقاً» سخن به میان می‌آورد که به معنای کیفر متناسب با جرم است. در این آیه از عذاب جهنم به شدیدترین حالت ممکن که تا ابد ادامه دار است و پایانی ندارد و از طرفی هم آبی جوشان و پلید به تشنگان داده می‌شود، متناسب با اعمال بدکارانی است که در دنیا مغرور و سرکش به حالت کفر خود ادامه داده اند و پشیمان نشده اند. در این حالت تناسب اشد مجازات برای آنها در نظر گرفته شده است. در آیات دیگر همین سوره به خوبی روشن می‌شود که مجازات مجرمان و گناهکاران همان تجسم اعمال آنان است. در حقیقت بی‌هیچ کم و زیادی همان چیزی را که انجام داده‌اند به شکل مجازات می‌بینند و مجازات اخروی آنان همان باطن اعمال خودشان است.

خداوند به مردمان می‌آموزد که در مجازات باید رعایت عدالت شود و هرگونه زیادی و کم به معنای بی‌عدالتی است. البته انسان می‌تواند در مجازات تخفیف دهد و با احسان رفتار کند. اما این زمانی درست است که اجرای احسان، بازدارنده و یا هدایتگر و تنبیه‌ساز و مانند آن باشد و گرنه کوتاهی در اجرای عدالت و هرگونه تخفیفی، ظلم به شخص یا جامعه خواهد بود؛ چنان که تشدید مجازات و افزایش آن خارج از میزان جرم و جنایت، ظلم و بی‌عدالتی است. قرآن در آیه ۱۶۰

سوره انعام بیان می‌کند: وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ هر کسی بدی انجام دهد تنها به مثل آن مجازات می‌شود و ستمی در حق او روا داشته نمی‌شود. همین اصل اساسی و قانونی را خداوند در آیات دیگری چون آیه ۲۷ سوره یونس، ۴۰ سوره غافر و ۴۰ سوره شوری بیان کرده است.

### ۱-۱-۲- آیه ۴۰ سوره مبارکه شوری

۶۸

بانی قضی حقوق اسلامی

بررسی عمومی عدم تناسب در جرم انگاری حاصل از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رویکردی بر فقه امامیه

پاداش بدی کار بدی است مانند همان؛ ولی هر که بگذرد و [میان خود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید؛ پاداشش بر عهده خداست؛ یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد. این آیه حکم کسی را بیان می‌کند که ظلمی در حق او شده است بر اساس این آیه چنین کسی می‌تواند در مقابل ستمگر رفتاری چون رفتار او داشته باشد و چنین تلافی و انتقامی دیگر ظلم نخواهد بود. چرا که مجازات مجرم باید برابر با جرم ارتكابی او باشد. (فتحی ۱۴۰۰، ص ۱۸)

نکته مهم و قابل توجه در آیه

همانگونه که در متن آیه ملاحظه می‌شود خداوند متعال آن کاری که برای تلافی صورت می‌گیرد با اینکه مجوز آن را هم صادر کرده است اما آن را «سَيِّئَةٌ؛ کاری بد و ناپسند» می‌نامد که سوال برانگیز است. در پاسخ به این سوال گفته اند: از این رو هر دو عمل را سیئه و بد خوانده چون با هر کس چنین رفتار شود ناراحتش می‌کند، ظالم با آن کار مظلوم را ناراحت کرد و مظلوم هم با انتقام و تکرار آن کار ظالم را رنجاند، پس در آیه شریفه حقیقت معنای کلمه رعایت شده است. همانطور که این بزرگان فرموده اند مجوز انجام عملی آن از بد و آزار دهنده بودن به خوب و گوارا بودن تبدیل نمی‌کند. کار بد، بد است. چیزی که در این آیه بین آن دو فرق گذاشته این است که اگر ابتدایی و بدون مجوز باشد حرام است و عذاب و عقاب دارد و اگر با مجوز شرعی باشد حلال است و چون حرام نیست عقابی هم ندارد. باید توجه داشت که این تلافی با مجوز، «واجب نیست»؛ بلکه فقط «حلال است» و شاید برای همین نکته بود که بلافاصله فرمود:

«فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ هر کس عفو و اصلاح کند اجر و پاداش او بر خداست»

از امیر المومنین نقل است: وَ أَمَّا الرُّحْصَةُ الَّتِي صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَخَّصَ أَنْ يُعَاقَبَ الْعَبْدُ عَلَى ظُلْمِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ هَذَا هُوَ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ عَفَا وَ إِنْ شَاءَ عَاقَبَ.

امام علی (علیه السلام) - یکی از جاهایی که بندگان اجازه دارند که انجام بدهند عقوبت ظالم می‌باشد مظلوم می‌تواند ظالم را مجازات کند و یا از وی درگذرد. خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ پاداش هر گناهی مانند خودش می‌باشد، ولی اگر کسی عفو کرد و اصلاح نمود؛ اجرش با خداوند است و مظلوم در اینجا مختار می‌باشد. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۳، ص ۶۴۸ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۲۵ / القمی، ج ۱، ص ۱۵ / وسایل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۷۳ / القمی، ج ۲، ص ۲۷۷؛ «بتفاوت لفظی»)

### ۱-۱-۳- آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده

(انما جزاؤا الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الارض فسادا ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم خزي في الدنيا و لهم في الاخره عذاب عظيم): (همانا سزای کسانی که با خدا و رسول او می‌ستیزند و در راه گستردن فساد در زمین تلاش می‌کنند، این است که یا کشته شوند یا به دار آویخته گردند و یا دست چپ و پای راستشان یابه عکس بریده شود و یا به سرزمینی دیگر تبعید شوند، تازه این امر عذاب و خواری

دنیوی آنهاست و در آخرت برای آنان عذابی بزرگ می باشد)، محاربه به معنای لفظی اش در مورد خداوند محال است و ناگزیر باید بگوئیم معنای مجازی آن منظور بوده که شامل مخالفت با احکام شرعی و ظلم و اسراف می باشد و منظور از محاربه با رسول، عملی است که به ابطال اثر ولایت رسول خدا منجر می شود، مانند جنگیدن کفار با پیامبر و مسلمانان و راهزنی راهزنان که امنیت عمومی را خدشه دار می سازند، امنیتی را که گسترش دامنه ولایت پیامبران امنیت را گسترانده است و مراد از افساد در زمین استفاده از سلاح و تعدی به حرمت و اخلال در امنیت عمومی است. در نهایت خداوند می فرماید: سزای چنین کسی یا قتل است یا دازدن و یا قطع دست و پا از جانب مخالف و یا تبعید، و هر کدام از این مجازاتها اعمالش بستگی به نوع درجه افساد و محاربه آن فرد دارد که مثلاً فقط از سلاح استفاده کند یا دزدی کند و یا مرتکب قتل هم بشود، و مراد از تبعید و نفی بلد آنست که او را از شهری که در آنجا مرتکب فساد شده است به شهر دیگر تبعید کنند و بر مردم آن شهر دوم هم آشکار کنند که او شخص منفی و مفسدی است، پس با او مجالست و خرید و فروش و ازدواج نکنند و حتی او را شریک در طعام و شراب خود نیز نسازند و اگر به شهر دیگر رفت به آنها هم همین مسأله را بگویند تا زمانی که عمر او به اتمام برسد، پس اگر گفته شود، حکم او در صورتی که متوجه بلاد کفر و شرک بشود، چگونه است؟ در جواب می گوئیم، اگر به آنجا برود یا بدست اهل آنجا کشته می شود و یا او آنها را می کشد و (خزی) به معنای فضیحت و رسوائی است و آیه شریفه می فرماید: این عذابها که گفتیم خواری مفسد و ظالم در این دنیا است، اما عذاب اخروی او بسی بزرگتر است و اینها باعث نمیشود که عذاب اخروی او بر طرف گردد. (سالارزایی ۱۳۸۸، ص ۱۸۶)

کیفر آنها که به جان و مال مردم حمله میبرند این آیه در حقیقت بحثی را که در مورد قتل نفس در آیات سابق بیان شد تکمیل میکند و جزای افراد متجاوزی را که اسلحه بروی مسلمانان میکشند و با تهدید به مرگ و حتی کشتن، اموالشان را به غارت میبرند، با شدت هر چه تمامتر بیان میکند، و میگوید: کیفر کسانی که با خدا و پیامبر به جنگ بر میخیزند و در روی زمین دست به فساد میزنند این است که یکی از چهار مجازات در مورد آنها اجراء شود: نخست اینکه کشته شوند، دیگر اینکه به دار آویخته شوند، سوم این که دست و پای آنها به طور مخالف (دست راست با پای چپ) بریده شود چهارم اینکه از زمینی که در آن زندگی دارند تبعید گردند. (انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض). در اینجا به چند نکته باید توجه کرد: ۱ - منظور از محاربه با خدا و پیامبر آنچنان که در احادیث اهل بیت وارد شده و شان نزول آیه نیز کم و بیش به آن گواهی میدهد این است که: کسی با تهدید به اسلحه به جان یا مال مردم تجاوز کند، اعم از اینکه به صورت دزدان گردنه ها در بیرون شهرها چنین کاری کند و یا در داخل شهر، بنا بر این افراد چاقوکشی که حمله به جان و مال و نوامیس مردم میکنند نیز مشمول آن هستند. ضمناً جالب توجه است که محاربه و ستیز با بندگان خدا در این آیه به عنوان محاربه با خدا معرفی شده و این تاکید فوق العاده اسلام را درباره حقوق انسانها و رعایت امنیت آنان ثابت می کند. ۲ - منظور از قطع دست و پا طبق آنچه در کتب فقهی اشاره شده همان مقداری است که در مورد سرقت بیان گردیده یعنی تنها بریدن چهار انگشت از دست یا پا می باشد. ۳ - آیا مجازاتهای چهارگانه فوق جنبه تخییری دارد یعنی حکومت اسلام هر کدام از آنها را درباره هر کسی صلاح ببیند اجراء میکند، و یا متناسب با چگونگی جرم و جنایتی است که از آنها انجام گرفته! یعنی اگر افراد محارب دست به کشتن انسانهای بیگانه زده اند مجازات قتل برای آنها انتخاب

میشود و اگر اموال مردم را با تهدید به اسلحه ببرند انگشتان دست و پای آنها قطع میشود و اگر هم دست به آدمکشی و هم سرقت اموال زده باشند اعدام میشوند و جسد آنها برای عبرت مردم مقداری به دار آویخته میشود و اگر تنها اسلحه به روی مردم کشیده اند بدون اینکه خونی ریخته شود و یا سرقتی انجام گیرد به شهر دیگری تبعید خواهند شد، شک نیست که معنی دوم به حقیقت نزدیکتر است، و این مضمون در چند حدیث که از ائمه اهل بیت (علیهمالسلام) نقل شده وارد گردیده است. درست است که در پاره ای از احادیث اشاره به مخیر بودن حکومت اسلامی در این زمینه شده است ولی با توجه به احادیث سابق منظور از تخییر این نیست که حکومت اسلامی پیش خود یکی از این چهار مجازات را انتخاب نماید و چگونگی جنایت را در نظر نگیرد زیرا بسیار بعید به نظر میرسد که مسئله کشتن و به دار آویختن همردیف تبعید بوده باشد، و همه در یک سطح. اتفاقاً در بسیاری از قوانین جنائی و جزائی دنیای امروز نیز این مطلب به وضوح دیده میشود که برای یک نوع جنایت چند مجازات را در نظر می گیرند، مثلاً در پاره ای از جرائم، در قانون مجازات مجرم، حبس از سه سال تا ۱۰ سال تعیین شده و دست قاضی را در این باره باز گذاشته اند مفهوم آن این نیست که قاضی مطابق میل خود سالهای زندان را تعیین نماید بلکه منظور این است چگونگی وقوع مجازات را که گاهی با جهات مخففه و گاهی با جهات تشدید همراه است در نظر بگیرد و کیفر مناسبی انتخاب نماید. در این قانون مهم اسلامی که درباره محاربان وارد شده، چون نحوه این جرم و جنایت بسیار متفاوت است و همه محاربان مسلماً یکسان نیستند طرز مجازات آنها نیز متفاوت ذکر شده است. ناگفته پیداست شدت عمل فوقالعاده ای که اسلام در مورد محاربان به خرج داده برای حفظ خونهای بیگناهان و جلوگیری از حملات و تجاوزهای افراد قلدر و زورمند و جانی و چاقوکش و آدمکش به جان و مال و نوامیس مردم بیگناه است. در پایان آیه میفرماید: این مجازات و رسوائی آنها در دنیا است و تنها به این مجازات قناعت نخواهد شد بلکه در آخرت نیز کیفر سخت و عظیمی خواهند داشت. (ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم). از این جمله استفاده میشود که حتی اجرای حدود و مجازاتهای اسلامی مانع از کیفرهای آخرت نخواهد گردید. سپس برای اینکه راه بازگشت را حتی به روی اینگونه جانیان خطرناک نبندد و در صورتی که در صدد اصلاح بر آیند راه جبران و تجدید نظر به روی آنها گشوده باشد میگوید: مگر کسانی که پیش از دسترسی به آنها توبه و بازگشت کنند که مشمول عفو خداوند خواهند شد و بدانید خداوند غفور و رحیم است. (الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم فاعلموا ان الله غفور رحیم). از این جمله استفاده میشود که تنها در صورتی مجازات و حد از آنها برداشته میشود که پیش از دستگیر شدن به میل و اراده خود از این جنایت صرفنظر کنند و پشیمان گردند - البته نیاز به تذکر ندارد که توبه آنها سبب نمیشود که اگر قتلی از آنها صادر شده یا مالی را به سرقت برده اند مجازات آن را نبینند، تنها مجازات تهدید مردم با اسلحه برداشته خواهد شد. و به عبارت دیگر توبه او تنها تاثیر در ساقط شدن حق الله دارد و اما حق الناس بدون رضایت صاحبان حق، ساقط نخواهد شد (دقت کنید). و نیز به تعبیر دیگر: مجازات محارب از مجازات قاتل یا سارق معمولی شدیدتر است و با توبه کردن مجازات محارب از او برداشته میشود اما مجازات سارق و غاصب یا قاتل معمولی را خواهد داشت. ممکن است سؤال شود: توبه یک امر باطنی است از کجا میتوان آن را اثبات کرد؟ در پاسخ می گوئیم: طریق اثبات برای این موضوع فراوان است از جمله اینکه دو شاهد عادل گواهی بدهند که در مجلسی توبه او را شنیده اند و بدون اینکه کسی آنها را اجبار کند به میل خود توبه نموده اند و یا اینکه برنامه و روش زندگی خود را چنان تغییر دهند که آثار توبه از آن آشکار باشد. در شأن نزول این آیه چنین نقل کرده اند که: جمعی از



مشرکان خدمت پیامبر آمدند و مسلمان شدند اما آب و هوای مدینه به آنها نساخت، رنگ آنها زرد و بدنشان بیمار شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای بهبودی آنها دستور داد به خارج مدینه در نقطه خوش آب و هوایی از صحرا که شتران زکات را در آنجا به چرا می بردند بروند و ضمن استفاده از آب و هوای آنجا از شیر تازه شتران به حد کافی استفاده کنند، آنها چنین کردند و بهبودی یافتند اما به جای تشکر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) چوپانهای مسلمان را دست و پا بریده و چشمان آنها را از بین بردند و سپس دست به کشتار آنها زدند و شتران زکوة را غارت کرده و از اسلام بیرون رفتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور داد آنها را دستگیر کردند و همان کاری که با چوپانها انجام داده بودند به عنوان مجازات درباره آنها انجام یافت، یعنی چشم آنها را کور کردند و دست و پای آنها را بریدند و کشتند تا دیگران عبرت بگیرند و مرتکب این اعمال ضد انسانی نشوند، آیه فوق درباره این گونه اشخاص نازل گردید و قانون اسلام را در مورد آنها شرح داد. (طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۲۶)

## ۲-۱- روایات و منقولات تناسب و جرم و مجازات از منظر اسلام

اجرای عدالت کیفری نگاهی به گفتارهای امام علی ع این مطلب را به ذهن متبادر می سازد که « عدالت » بنیاد و قوام جامعه سالم اسات که بسیاری از جرایم را از بین می برد. افزون بر آن هنگام بروز کجی و انحراف در جامعه، می کوشد تا با بهترین شیوه ممکن، حالت اعتدال را به جامعه باز گرداند، به گونه ای که به حقوق مشروع افراد و کیان اجتماع لطمه ای وارد نشود. « عدالت » همواره در اندیشه و گفتار بشر، تقدس و ارزش داشته است، تا آنجا که ظلم بالسویه را نیز عدل خوانده اند و حاکمان، ستمگری های خود را به نام رفع ظلم و برقراری عدالت توجیه کرده اند.

با وجود این، در میان عالمان، « عدالت » مفهوم و معنای مورد اتفاقی ندارد. برای عدل، معانی گوناگونی، مانند رعایت تساوی و دوری از تبعیض « به کار می رود که شامل معانی یاد شده نیز می گردد: «قرار دادن افراد و اشیاء در جایگاه شایسته خود» این تعریف را می توان در کلامی از امام علی ع یافت، آنجا که فرمود: «العدل یضع الأمور مواضعها»؛ عدالت، هر چیزی را در جای خود می نشاند (نهج البلاغه، حکمت شماره ۴۳۱). مبنای این سخن آن است که در جهان تکوین و تشریح، هر چیزی جایگاهی در خور خود دارد و عدل آن است که این تناسب مراعات شود و هر چیزی در جای مناسب خود قرار گیرد که یکی از این موارد در نظام حقوق کیفری است که بر این مبنا باید میان جرم ارتكابی و مجازات، تناسب وجود داشته باشد. حضرت علی(ع) در خطبه ۱۲۱ میفرماید: «سزوار است که اهل جرم و گناه، مود رحم و شفقت قرار گیرند.» در همین راستا بوده که در سیره عملی ایشان نیز توجه به تناسب جرم ارتكابی و مجازات به چشم میخورد، به گونه ای که بعد از ورود ضربت به سر ایشان، حضرت علی(ع) به امام حسین علیهما... فرمودند «اگر زنده ماندم ... اگر مردم، تکلیف او با شماس است اگر خواستید او را بکشید اما مثلهاش نکنید.» (مجلسی ۱۴۰۳، ص ۲۰۵) همانگونه که بدیهی است در دیدگاه امام، قاتل باید بیشتر از جرم خود مجازات نشود که این امر، بیانگر توجه به تناسب جرم و مجازات است که تضمین کننده عدالت است.

## ۲. مصادیق مجازات های کاهش یافته

همانگونه که از اسم و عنوان این قانون نیز مشخص است، هدف اولیه از وضع این قانون "کاهش و تقلیل مجازات حبس" بوده است. در نتیجه اولین اثر ماهوی این قانون را باید همان کاهش یا تقلیل مجازات حبس دانست. مواد ۱ و ۳ این قانون به به طور مستقیم به موضوع کاهش مجازات حبس اختصاص یافته‌اند. در ماده ۱ "قانون کاهش مجازات حبس تعزیری" ماده مقرر شده است که: "مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی به شرح زیر کاهش یافته یا تبدیل می‌شود: الف - مجازات حبس موضوع ماده (۶۱۴) قانون (به استثنای تبصره آن) به حبس درجه شش؛ ب - مجازات حبس موضوع ماده (۶۲۱) قانون، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج؛ پ - تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ عمل می‌شود. ت - مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده؛ ث - مجازات حبس موضوع ماده (۶۸۴) قانون به حبس درجه شش؛ ج - مجازات موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۹۷) قانون به جزای نقدی درجه شش." همچنین ماده ۳ قانون "قانون کاهش مجازات حبس تعزیری" هم به طور مستقیم به موضوع کاهش مجازات حبس اشاره دارد و در این ماده مقرر شده است که: "یک تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره (۶) به ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ الحاق می‌شود: تبصره ۶- تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود."

چنانچه مشاهده شد، اولین اثر ماهوی این قانون کاهش و تقلیل مجازات حبس است که ضروری است تا چگونگی این کاهش را به عنوان اولین و مهم‌ترین اثر این قانون مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. مطابق با مواد ۱ و ۳ این قانون ابتدا بایستی مجازات‌های حبس کاهش یافته را شرح داد و سپس به تحلیل چگونگی این کاهش پرداخت. مطابق با بندهای مختلف ماده یک و همچنین ماده ۳ "قانون کاهش مجازات حبس تعزیری"، در چند عنوان مختلف؛ مجازات حبس تعزیری به شرح ذیل کاهش یافته است. در واقع در این مصادیق ما با موضوع "تبدیل مجازات" روبرو هستیم. تبدیل در لغت به معنای دگرگون کردن، بدل کردن، دگرگون‌سازی است و در اصطلاح به تغییر ماهیت مجازات به مجازاتی که مناسب‌تر به حال متهم باشد تبدیل مجازات می‌گویند. هر چند وصف مناسب‌تر در قانون تعریف نشده ولی می‌توان فهمید که منظور از آن نوعی تخفیف می‌باشد، البته تخفیفی که مناسب‌تر به حال بزهکار باشد؛ یعنی در خور و موافق بودن مجازات با وضع و حال محکوم علیه، با این فرض که مجازات قانونی تناسب با خصوصیات او ندارد پس نهاد تبدیل مجازات‌ها گامی است در جهت سیاست فردی کردن مجازات‌ها. از جمله تأثیرات قانون کاهش حبس تعزیری تبدیل برخی مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی می‌باشد که به شرح ذیل کاهش یا تبدیل می‌گردند.

## ۲-۱. کاهش مجازات حبس ایراد ضرب و جرح عمدی

بند "الف" راجع به ایراد ضرب و جرح عمدی منتهی به نقص عضو یا شکستگی یا مرض دائمی و ... است که مجازات آن از ۲ تا ۵ سال حبس بوده و اکنون به حبس درجه ۶ یعنی ۶ ماه تا دو سال کاهش یافته است. این مسئله بیم تجری مجرمین را به دنبال خواهد آورد.

## ۲-۲. کاهش مجازات حبس آدم ربایی

بند "ب" راجع به جرم آدم ربایی است که مجازات آن ۵ تا ۱۵ سال حبس است که مطابق قانون جزا در صورتی که ربایش با عنف یا تهدید باشد مرتکب به حبس درجه ۴ یعنی ۵ تا ۱۰ سال و در غیر این صورت؛ به حبس درجه ۵ یعنی؛ ۲ تا ۵ سال محکوم می‌شود. (باختر، ۱۴۰۰: ۲۲) باید گفت که؛ موارد مشدده در ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت.نسخ شده است؛ در حال حاضر تنها در صورتی که آدم ربایی به عنف یا تهدید باشد؛ مجازات آن شدیدتر می‌شود. نکته دیگر این که؛ تبصره ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت.نسخ نیز به موجب ماده ۱۵ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری نسخ شده است. که در بند "پ" نیز به آن اشاره شده که نیازی به آوردن بند مجزا نبوده است. در نتیجه بند "پ" که مقرر می‌دارد: "پ - تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ عمل می‌شود." همان حکم مقرر در ماده ۱۵ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری را داراست.

در قانون مجازات تشدید جرم آدم ربایی الجزایر مصوب نوامبر ۲۰۲۰ که در ۵۴ ماده تصویب شده است، به حدود تشدید و شرایط امکان تخفیف در جرم مزبور پرداخته شده است. در قوانین ایران مطابق پیش گفته محرز است که جرم انگاری چندپاره، نارسا، زائد و مبهم از یک سو و کیفرگذاری نامتوازن و تبعات سوء ناشی از آن حمایت کیفری کارآمد ایران را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. (حسنی، محمد حسن، علیزاده، حمید، & پارسا پور، امید ۱۳۹۹، ص ۴۷)

این در حالی است که در ایالات متحده آمریکا مجازات جرم آدم ربایی از وضعیت سختگیرانه ای برخوردار است و به این طریق، مجازات های دولتی برای آدم ربایی

مجازات برای محکومیت های آدم ربایی عموماً با محکومیت های طولانی مدت زندان همراه است. ایالت ها اغلب سخت ترین مجازات ها - که می تواند حبس ابد باشد - را برای جرایم آدم ربایی یک کودک خردسال یا آسیب جدی به قربانی در نظر می گیرند. معمول است که برای سایر جرایم آدم ربایی، مجازات های ۲۰ سال یا بیشتر به زندان بیفتند. اگر رباینده قربانی را در مکانی امن و بدون آسیب رها کند، بسیاری از ایالت ها مجازات کمتری در نظر می گیرند. مجازات های فدرال برای آدم ربایی سخت است. قوانین فدرال به قاضی این اختیار را می دهد که مجرم را به هر مدت سال و تا حبس ابد محکوم کند. اگر قربانی کودک باشد، کمتر از ۲۰ سال حبس اعمال نمی شود. (۱۸) ۱۲۰۱ U.S.C. § ۱۸)

## ۲-۳. کاهش مجازات حبس جرم تخریب

تخریب اموال (که در انگلستان و ولز گاهی تخریب اموال، یا آسیب کیفری نیز نامیده می شود) یک نوع فرعی از خسارت مالی است که متضمن آسیب به اموال است که ناشی از سوء رفتار عمدی است و به عنوان جرم قابل مجازات است.<sup>۸</sup>

<sup>۷</sup>- <https://www.criminaldefenselawyer.com/crime-penalties/federal/Kidnapping.htm>.

<sup>۸</sup>- Hörnle, Tatjana; Dubber, Markus D., eds. (۲۰۱۴). The Oxford Handbook of Criminal Law. Oxford, UK: OUP Oxford. ISBN ۰۱۹۱۶۵۴۶۰۴.

بند «ت» راجع به حبس جرم تخریب یعنی ۶ ماه تا ۳ سال میباشد؛ که تبدیل به جزای نقدی تا دو برابر خسارت وارده می‌شود و البته این تخفیف زمانی قابل اجرا است که خسارات تخریب وارده حسب نظر کارشناس، بیشتر از ۱۰ میلیون تومان نباشد. شایان ذکر است حتی اگر میزان خسارت بیشتر از ۱۰ میلیون تومان هم باشد، موضوع این ماده از قانون تعزیرات به موجب ماده ۱۱ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ به نصف کاهش یافته است؛ زیرا، این جرم از جرایم قابل گذشت است. در سال ۱۳۹۹ قانون تخفیف مجازات حبس در بند «ت» ماده یک مقرر کرد که مجازات حبس موضوع ماده ۶۷۷ در صورتی که میزان خسارت از یکصد میلیون ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تبدیل می‌شود. تا دو برابر میزان خسارت در نتیجه این تغییر، هم نوع و هم میزان مجازات جرم تخریب منوط به عامل مهمی یعنی میزان خسارت است؛ بنابراین اگر میزان خسارت بیش از یکصد میلیون ریال باشد، نوع مجازات این جرم حبس است. اما در صورتی که خسارت صد میلیون ریال یا کمتر باشد، این جرم دیگر مستوجب حبس نیست و نوع مجازات آن جزای نقدی است. اما میزان جریمه به تعیین میزان دقیق خسارت نیز بستگی دارد. بدیهی است تعیین نوع و میزان مجازات این جرم بدون تعیین مجموع خسارت وارده (بیشتر یا کمتر از یکصد میلیون ریال) و یا میزان دقیق آن امکان پذیر نخواهد بود. روش جدید قانونگذار در تعیین نوع و میزان مجازات، چالش‌هایی را برای مراحل مقدماتی و صدور حکم و نیز اصل تعیین درجه جرم ایجاد می‌کند. ۴. نتیجه گیری برای غلبه بر چالش‌های موجود در تعیین درجه جرم تخریب، پیشنهاد کرده ایم که از جمله شاخص‌های تعیین درجه جرم بر اساس میزان خسارت، تعیین درجه جرم بر اساس حکم تبصره ۳ ماده. ۱۹ و تعیین مدرک بر اساس ضوابط اتخاذ شده از رأی وحدت رویه ۷۵۹، مورد اخیر برای تطابق بیشتر با اصول حقوقی مورد استفاده قرار گیرد. در مواجهه با چالش تعیین شاخص زمانی میزان خسارت، به جای زمان رسیدگی و صدور حکم، زمان ارتکاب جرم ملاک قرار گیرد. در نهایت به جای ارزیابی توسط زیان دیده یا ارجاع به کارشناس، تشخیص صلاحیت به عنوان راه حل دقیق تری در کوتاه مدت برای تعقیب این جرم مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۹</sup>

#### ۲-۴. کاهش مجازات حبس چراندن محصول دیگری و یا تخریب یا خشکاندن باغ نخلستان

بند «ت» راجع به ماده ۶۸۴ ق.م.ا.ت یعنی چراندن محصول دیگری و یا تخریب یا خشکاندن باغ نخلستان دیگری که دارای مجازات ۶ ماه تا ۳ سال حبس است؛ به حبس ۶ درجه یعنی ۶ ماه تا ۲ سال حبس تقلیل می‌یابد. البته در خصوص اینکه میزان حبس تقلیل یافته به نسبت قبلی آن اثر بازدارندگی خود را دست داده یا نه محل اختلاف است چه اینکه تعیین مجازات افزون از حداقل نیاز به دلیل مجزا دارد (احمد زاده و تام، ۱۴۰۲، ص ۸۴) و لذا در این خصوص مجازات اصلی و تقلیل یافته در میزان حداقلی مشترک هستند. از اینرو این مورد در خصوص بی‌کیفری، محل تردید است.

#### ۲-۵. کاهش مجازات حبس توهین و افترا

بند «ج» راجع به توهین و افترا می‌باشد، یعنی مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ ق.م.ا.ت که ماده اول به توهین ساده اشاره دارد که دارای مجازات حبس نبوده و در سابق نیز مجازات توهین ساده جزای نقدی ۵۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال بود؛ که

<sup>۹</sup> - روستایی، مهرانگیز، & رحمانیان، حامد. (۱۴۰۱). چالش‌های شکلی و ماهوی فراروی رسیدگی به بزه تخریب اموال؛ با تأکید بر تحولات ناشی از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۳(۱)، ۹۹-۱۲۲. doi: 10.22134/jol.10.22134.2022.19390.2022.112. ص ۱۱۲.

در قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری به جزای نقدی درجه ۶ یعنی ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال تبدیل شده است. ماده دوم به جرم افترا اشاره دارد؛ که حبس از یک ماه تا یک سال را در برداشت که اکنون به جزای نقدی درجه ۶ یعنی به ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال تبدیل شد. قابل ذکر است در بند "ج" ماده ۱ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری به جای "مجازات حبس" تعبیر "مجازات" ذکر شده؛ لذا در مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ دیگر مجازات شلاق قابل اعمال نمی‌باشد. (میرزایی یزدی و موسوی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۲) در کشور مکزیک که طرفدار آزاده عقیده و بیان هستند نیز با قید حمایت از آزادی عقیده حداقل در مورد شخصیت‌های دولتی و مدیران، در سایر موارد اعمال مجازات حبس را قانونی و منطبق با عدالت می‌دانند.<sup>۱۰</sup>

## ۲-۶. کاهش مجازات حبس ابد غیرحدی

این کاهش در ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری آمده است. در ارتباط با ماده ۳ قانون کاهش حبس تعزیری باید گفت که، ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام بیان درجه بندی جرایم است و جرایم تعزیری را به ۸ درجه تقسیم می‌کند. درجه ۱ از این ماده، شامل حبس بیش از ۲۵ سال می‌شود و همان طور که در یک نگاه ساده ملاحظه می‌شد حبس ابد در هیچکدام از درجات گنجانده نشده بود. به موجب تبصره جدید که قانون تقلیل مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اضافه نموده؛ تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود. حبس ابد دو نوع است: یک دسته؛ حبس‌های ابد از نوع حدود محسوب می‌شوند؛ مثل مجازات سرقت حدی در صورت تکرار برای بار سوم، موضوع بند "پ" ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و دسته دوم؛ حبس ابد غیرحدی یعنی تعزیری مانند ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری به صورت شبکه‌ای موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و یا مجازات‌های حبس ابد مقرر در قانون مبارزه با مواد مخدر. بنابراین هرکجا حبس ابد حدی باشد؛ مثل بند "پ" ماده ۲۷۸ ق.م.ا که ذکر شد؛ مشمول درجه بندی ماده ۱۹ ق.م.ا قرار نمی‌گیرد و حبس‌های ابد تعزیری همگی درجه ۱ محسوب می‌شوند.

سؤال این است که اثرات تبصره جدید ماده ۱۹ قانون مجازات در کاهش حبس تعزیری چیست؟ واضح است محکومان به حبس ابد غیر حدی که تعداد آنها قطعاً از محکومان به حبس ابد حدی بیشتر است، از بعضی بلاتکلیف‌ها خارج شده و بعضی نهادهای قانونی شامل آنها نیز می‌شود. مانطور که از نام این طرح دو فوریتی پیدا است؛ هدف این طرح کمک به کم کردن جمعیت زندان‌ها است. از جمله نهادها و اقدامات قانونی که از خلال تبصره ۶ شامل حال محکومین به حبس ابد غیرحدی که اکنون محکومین درجه یک ماده ۱۹ محسوب می‌شوند قرار می‌گیرد؛ از قرار زیر است: قابلیت اعمال تخفیف برای مجازات حبس ابد؛ زیرا، درجه یک محسوب می‌شود و مطابق بند "الف" اصلاحی ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ امکان اعمال یک تا سه درجه تخفیف در آن وجود دارد. آزادی مشروط پس از گذراندن یک دوم مدت حبس مطابق ماده ۵۸ قانون ق.م.ا. چنانچه محکوم نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد؛ میتواند مشمول بند "الف" ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شود. مطابق بند "الف" ماده ۱۰۵ و بند "الف" ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌تواند مشمول مرور زمان تعقیب و اجرا مجازات شود؛ البته با لحاظ ماده ۱۰۹ همین قانون.

<sup>۱۰</sup>- Article ۳۰۱ (I) of the Penal Code of Mexico.

امکان استفاده از مرخصی از زندان برای محکومین به حبس ابد پس از گذراندن حداقلهای لازم در آیین نامه‌های سازمان زندانها.

در مورد این دسته از محکومان سئوالی مطرح می‌شود که این است، به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، حبس‌های ابد غیرحدی به حبس درجه یک تبدیل شده‌اند. حال سئوال این است که، با توجه به ماده ۴۵ قانون مبارزه با

۷۶

سبانی قضی حقوق اسلامی

مواد مخدر (الحاقی مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲) و ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و همچنین ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محرومیت محکومان از نهادهای ارفاقی مذکور در ماده ۴۵ صدرالذکر صرفاً

زمانی ممکن است که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود؛ این محرومیت حسب استثنای مقرر در خود ماده مشمول مصادیق تبصره ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر نمی‌شود و چنانچه قاضی به بیش از حداقل مجازات قانونی

حکم دهد، استفاده از نهادهای ارفاقی در خصوص محکومان ماده ۴۵ اخیرالذکر ممکن است. (باختر، ۲۹:۱۴۰۰) در مورد محکومان به حبس ابد نیز که به حبس بیش از بیست و پنج سال تبدیل شده است و قانونی هم که استفاده از آزادی

مشروط در حبس ابد را منوط به گذراندن مدت خاصی کرده باشد، وجود ندارد؛ همچنین با توجه به پذیرش اصل مشمولیت آزادی مشروط با عنایت به مفهوم مخالف صدر ماده ۴۵ قانون صدرالذکر به نظر می‌رسد استفاده از این نهاد در حبس‌های

ابد ممنوعیت قانونی ندارد و قسمت اخیر ماده ۴۵ در خصوص تعلیق اجرای مجازات صرفاً الزام گذراندن حداقل حبس را جهت بهره‌مندی از آن بیان کرده است که خود استثنایی از جهت زمان تحمل حبس بر اصل کلی تعلیق مقرر در ماده

۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است، با توجه به ترجمات فوق‌الذکر و با عنایت به وجود رویه‌های مختلف، سوال این است که آیا در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان محکومان به حبس ابد بابت ارتکاب این جرایم، استفاده از نهاد

ارفاقی آزادی مشروط امکان‌پذیر است و در صورت مثبت بودن پاسخ، محکوم‌علیه پس از تحمل چه مدت از حبس می‌تواند از این نهاد استفاده کند؟ اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این دو سئوال و با وجود اختلاف نظر، اینگونه

گفته است که: نظریه اکثریت: با توجه به اصل حتمیت اجرای مجازات حبس که در تبصره ماده واحده الحاقی یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، مورد بحث مد نظر مقنن بوده است و نیز دیگر عبارات به کار رفته در این

تبصره، ممنوعیت اعمال نظام آزادی مشروط شامل قسمت اخیر تبصره مزبور نیز می‌شود و در ذیل تبصره، صرفاً تعلیق اجرای بخشی از مجازات حبس پس از تحمل حداقل مجازات حبس مجاز دانسته شده است و ممنوعیت‌های مقرر از

جمله ممنوعیت اعطای نظام آزادی مشروط در تبصره مذکور، شامل محکومانی که مجازات اعدام و حبس ابد آنها به حبس تعزیری درجه یک و دو تخفیف می‌یابد نیز می‌شود. نظریه اقلیت: مقنن در تبصره ماده واحده الحاقی یک ماده به

قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، راجع به "جرایم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد" مشروط به این که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در موارد استثنایی مصرح در این تبصره، مرتکب را از

تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و دیگر نهادهای ارفاقی محروم دانسته است؛ مفهوم این شرط آن است که اگر حکم به مجازات بیش از حداقل قانونی صادر شود، این محرومیت وجود ندارد و آنچه ذیل این تبصره قید شده است،

حکم خاصی راجع به تعلیق اجرای مجازات است و در این خصوص در حدود مغایرت با مواد ۴۶ و ۴۷ (بند ت) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن را نسخ کرده است؛ اما در خصوص آزادی مشروط و دیگر نهادهای ارفاقی در موارد

مشمول ذیل این تبصره، با توجه به مفهوم شرط صدر این تبصره و به لحاظ این که اثبات شی نفی ماعدا نمی‌کند، باید

بر اساس عموماًت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رفتار شود و اشخاصی که در اجرای بند "ب" ماده ۱۰ این قانون به مجازات حبس محکوم می‌شوند نیز مشمول این تبصره هستند. (حجتیان، ۱۴۰۰: ۷۴) تفسیر نصوص جزایی در موضع شک به نفع متهم (محکوم) نیز اقتضای همین نظر را دارد و همسو با سیاست مقنن مبنی بر کاهش جمعیت زندانیان مصرح در شق ۳ بند "ت" ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۵ نیز می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

### ۳. زوال عنصر تناسب در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

همانگونه که در شماره قبلی مشاهده گردید، در موارد شش گانه‌ای مجازات حبس کاهش یافته و یا به مجازات دیگری تبدیل شده است. کاهش مجازات حبس تعزیری و یا تبدیل آن، بدون اینکه جایگزین مناسبی برای مجازات حبس کاهش یافته و تبدیل شده، پیش بینی گردد، از مهم‌ترین معایب وارده بر این قانون است که در واقع بر اساس آن، یکی از اصول اساسی و اولیه جرم انگاری به نام "اصل تناسب" توسط مقنن نادیده گرفته شده است.

#### ۳-۱. اصل تناسب

یکی از اصول مهم "جرم انگاری" در حقوق جزا "اصل تناسب" است. "اصل تناسب به ارتباط میان شدت عمل و میزان سرزنش عمومی و مجازات ارتباط دارد." (فلاحی، ۱۳۹۳: ۳۵) اصل بر این است که مقنن باید از طریق تحلیل‌های غایت شناسانه، مناسب بودن، ضرورت و تناسب اقدامات پیشینی بر حقوق کیفری را بسنجد و در این صورت است که می‌توان گفت اصل آخرین چاره، اعمال شده است. (Schumann, ۲۰۰۴, ۵۵۹) تعیین هر جرم به صورت اختصاصی و همچنین میزان و گستره‌ی ضمانت اجرای کیفری، باید بر مبنای ضرورت اجرای قانون جزایی و نیز تناسب آن با میزان و ماهیت خطری باشد که علیه آزادی‌های شخصی، حقوق بشر و سایر ارزش‌های اجتماعی باشد." (امیرارجمند، ۱۳۸۱، ۴۴۴) تهیه‌ی استراتژی‌هایی برای حصول اطمینان از این که اقدام متخذ توسط عدالت جزایی و دخالت آنها در حیات اعضای جامعه، متناسب با شدت جرم و میزان خطر آن برای جامعه است." (Jareborg, ۲۰۰۴, ۵۲۴)

این تناسب دارای دو وجه است، از یک طرف نباید مجازات بیش از اندازه شدید باشد که منجر به از بین رفتن حقوق و آزادی‌های فردی شود. یکی از وجوه حقوق و آزادی‌های فردی آن است فرد تا آن میزانی که لازم است باید پاسخگوی جامعه باشد. بر این مبنای باید پیوند میان وضع محدودیت‌ها و سرزنش و قبح عمومی عمل، روشن باشد. شدت سرزنش عمومی، شرط لازم و نه کافی برای استفاده از ابزار کیفری است و این شدت، به وضعیت و جایگاه ارزش‌ها، میزان ضرر و غیراخلاقی بودن عمل بستگی دارد و به گونه‌ای می‌تواند بیان از ارزش کیفری عمل داشته باشد. سرزنش عمل، بیانگر درونی بودن قاعده کیفری است و امری که دارای سرزنش عمومی نباشد، نمی‌تواند مبنایی برای پیروی مردم از قانون جزایی ایجاد کند. از طرف دیگر، واکنش جامعه در مقابل عمدی بودن و غیرعمدی بودن عمل و میزان تقصیر فرد متفاوت است. همچنین "شیوه‌ی ارتکاب عمل نیز می‌تواند در نوع و میزان سرزنش آن رفتار تأثیر داشته باشد." (Ashworth,

۲۰۱۵, ۵۵)

<sup>۱۱</sup> شماره نظریه: ۱۰۱۷/۱۴۰۰/۷ - شماره پرونده: ۱۴۰۰-۵۴-۱۰۱۷ ک - تاریخ نظریه: ۱۴۰۰/۹/۱۰

وجه دوم اصل تناسب این است که "عمل آنقدر دارای سرزنش باشد که استفاده از ضمانت اجرای کیفری برای آن لازم باشد و تناسب میان سرزنش عمومی عمل و مجازات مورد توجه قرار گیرد، به نحوی که این سرزنش ناچیز و در منظر مجرمان و بزهکاران بیهوده نباشد" (Horder, ۲۰۱۹, ۱۰۳). اصل تناسب میان کیفر و عمل، می‌تواند دلیل خوبی برای این امر باشد، زیرا که کارکرد اعلامی یا آموزشی حقوق کیفری مبتنی بر آن است.<sup>۱۲</sup> قانون جزایی باید بازتابی از تفکر عمومی جامعه در مورد آن عمل باشد و در واقع سرزنش کیفری، متناسب با میزان قبح اجتماعی عمل باشد و اگر عملی در جامعه دارای قبح زیادی باشد، لیکن مجازات آن ناچیز باشد، این اصل خدشه‌دار شده است.

### ۲-۳. شیوه اعمال اصل تناسب در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

زمانی که مردم آن رفتار را به عنوان یک رفتار تهدیدآمیز اجتماعی می‌شناسند و آن رفتار به گونه‌ای است که از جانب بخش مهمی از جامعه قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست. تقلیل و کاهش بیش از اندازه مجازات، نمی‌تواند راهکار مناسبی باشد و این دقیقاً اتفاقی است که در خصوص برخی از موارد در ارتباط با قانون کاهش مجازات حبس تعزیری صورت گرفته است. درست است که در بیشتر موارد و در تحلیل اصل تناسب، توجه به این سمت است که جرم انگاری حداقلی بوده و مجازات شدید، وضع نشود و به عبارت دیگر، در جرم‌انگاری و وضع ابزارها، باید به صورتی منصفانه و به دور از تبعیض برخورد شود و "نظارت و کنترل رفتار، موجب نشود که رویکرد نظام عدالت کیفری از نظر کمی و کیفی به استفاده از ابزارهای شدید و طاقت‌فرسا تغییر یابد" (Packer, ۲۰۰۳, ۱۵). قانون‌گذار باید این اطمینان را به جامعه بدهد که در انتساب سرزنش به افراد از رویکردی حداقلی پیروی خواهد کرد و نیز باید این اطمینان را بدهد که افراد در صورتی مجازات خواهند شد که قابل سرزنش باشند، اما این موضوع نباید باعث شود تا وجه دیگر آن فراموش شود. می‌دانیم که در مورد تناسب سرزنش عمومی و عنوان مجرمانه "تناسب یک ارزش کلیدی و اساسی است" (Horder, ۲۰۱۹, ۲۷) چه این که مجازات کردن و جرم‌انگاری در واقع "بیان ارزش‌های اجتماعی است"

بنابراین عنوانی که قانون‌گذار به هر عمل می‌دهد باید بازتاب و ترجمان خواست مردم و تضمین همزیستی اجتماعی باشد، نه "زیادتر از حد" باشد و نه "ناچیز و بی ارزش"، به نظر نگارنده در مورد برخی از جرایم مذکور در ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، این تناسب از این جهت میزان مجازات با عملی ارتكابی تناسب ندارد، برهم خورده است.

(Ashworth, ۲۰۱۵, ۴۴)

مجازات نامتناسب، مجازاتی است که بدون توجه به نوع و میزان صدمه وارده، اهمیت مطلق و نسبی جرایم، نوع جرم ارتكابی، خصوصیات شخصی و تقصیر بزه‌دیده وضع یا اعمال می‌شود. امروزه با توجه به اینکه دوران حاکمیت مطلق و انحصاری دولتها در جرم‌انگاری، تعیین مجازات و تعقیب و محاکمه و مجازات شهروندان سپری گردیده است، اسناد بین‌المللی زیادی به ضرورت تناسب جرم و مجازات اشاره کرده‌اند. برای نمونه ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اصل تناسب جرایم و مجازات‌ها و ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب را به صورت صریح یا ضمنی مورد تأکید قرار داده‌اند.<sup>۱۳</sup> در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقررات صریح و روشنی در خصوص ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب پیش‌بینی نگردیده

<sup>۱۲</sup>- Hadi Dachak, The Principle of Proportionality of Crime and Punishment in International Documents, May ۲۰۲۱ International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding ۸(۴):۶۸۴, DOI:۱۰.۱۸۴۱۵/ijmmu.v۸i۴.۲۶۶۱.



است. با وجود این با توجه به مبانی و منابع تدوین قانون اساسی و توجه ویژه آن به کرامت انسانی، اصل متناسب بودن احکام قابل استنباط است. با نگاهی اجمالی به مواد ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، و ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی درمی‌یابیم که: اولاً قانونگذار در غالب موارد، جرایم خشونت‌آمیز را با خشونت پاسخ داده است. در حالی که این روش با احساس عدالت خواهی بشر مغایر است. ثانیاً، خصوصیات شخصی مجرم و مؤلفه‌های تشکیل دهنده شخصیت جنایی او را چندان مورد توجه قرار نداده است. از جمله برای تمامی موارد بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی که می‌تواند علل و عوامل مختلفی از قبیل خود خواهی، فقدان حس اخلاقی و خستگی مفرط داشته باشند، به طور یکسان مجازات حبس و دیه مقرر کرده است. در حالی که تعیین مجازات زندان برای کسی که در اثر خستگی مفرط دچار حالت بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی شده است اثری نمی‌تواند داشته باشد. اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که قانونگذار ایران در مواردی چند به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه، تحت تأثیر یافته‌های بزه‌دیده شناسی علمی، مقرراتی را وضع کرده است برای نمونه می‌توان به بند ۳ ماده ۲۲، بند ب ماده ۲۵، مواد ۶۱، ۶۲ و ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد. این قبیل مقررات در قلمرو سیاست جنایی تقنینی ایران هرچند عاری از عیب و نقص نیست، گام مثبتی در راستای اجرای عدالت کیفری است. (رحمانی فرد، ۱۳۹۹، ۱۴۸)

به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی تناسب بین جرم و مجازات می‌توان "نوع جرم و خصوصیات شخصی مجرم" را مورد بررسی قرار داد. با توجه به این معیار، دادرس دادگاه نخست باید نوع جرم ارتكابی را با در نظر گرفتن ماهیت، وضعیت و شکل جرم ارتكابی مورد بررسی قرار دهد و سپس خصوصیات زیست شناختی (مثل سن، جنس، وضعیت سلامتی) و روانشناختی (از قبیل اختلالات روانی) و جامعه شناختی (مثل فقر و ثروت و بیکاری) مرتکب جرم را مورد ارزیابی قرار دهد تا بتواند واکنش اجتماعی متناسب اعمال نماید. (سبزواری نژاد، ۱۳۹۶: ۱۳۳) شاید بتوان گفت، این حق طرفین پرونده است که حکم صادره و مجازات تعیین شده برای وی با نوع جرم ارتكابی و وضعیت مرتکب تناسب داشته باشد. بنابراین از سویی هیچ مجرمی را نمی‌توان با مجازات نامتناسب و شدید مجازات کرد و از سوی دیگر نمی‌توان حق جامعه و بزه‌دیده در مجازات مناسب مرتکب را نادیده انگاشت. کاهش مجازات برخی جرایم با حکم کلی تنصیف حداقل و اکثر جرایم قابل گذشت و کاهش و تبدیل مجازات حبس برخی جرایم که در این قانون اتفاق افتاده است جدای از اینکه با واقعیات جامعه و لزوم برخورد شایسته با جرایمی مثل سرقت و... تطبیق ندارد، مجازات جایگزین مناسبی را به قضات برای اعمال آن به جای حبس نمی‌دهد. (گرامی، ۱۳۹۹: ۲۶) می‌توان گفت هر چند نقاط روشن و امیدوار کننده‌ای در قوانین ما در راستای تناسب جرم و مجازات وجود دارد اما جهت اعاده حیثیت به حقوق کیفری و احترام به کرامت ذاتی انسان، بازنگری و اصلاح قوانین موجود و پیش‌بینی یک سلسله مقررات جدید الزام‌آور، خصوصاً در مورد لزوم تشکیل پرونده شخصیت و دخالت دادن تقصیر بزه‌دیده در میزان مسئولیت کیفری مرتکب امری ضروری است و صرفاً کاستن از مجازات‌های مهمی چون حبس، مانند ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، کمکی به اصل لازم تناسب بین جرم و مجازات نمی‌کند. (رحمانی فرد، ۱۳۹۹، ۱۴۹)

به همین دلیل این قانون از منظر بسیاری از صاحب‌نظران از این جهت فاقد مشخصه‌های یک قانون مناسب است.

#### ۴. بی کیفر شدن برخی از عناوین مجرمانه

یکی از آثار ماهوی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، بی اعتبار شدن کیفر در مورد برخی از عناوین مجرمانه است در واقع بی کیفر شدن شدیدترین وضعیت از عدم رعایت اصل تناسب است.

#### ۴-۱- بی کیفر شدن در جرم افترا

جرم افترا یکی از مواردی است که در عمل و به واسطه این قانون از نظر کیفر به وضعیت بی اعتباری رسیده است. از جمله جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص که امروزه جامعه را به شدت درگیر خود کرده است جرایم توهین و افترا می‌باشند. این اعمال نه تنها از لحاظ حقوقی، بلکه از نظر اخلاقی و مذهبی نیز مذموم و ناپسند شمرده میشوند. در آیات متعددی از قرآن کریم<sup>۱۳</sup> نیز به این موضوع اشاره شده و در روایت‌های متعددی<sup>۱۴</sup> نیز این رفتارهای زشت منع گردیده‌اند. اما آنچه که واقعیت امر می‌باشد پیش روی ارتکاب این جرایم در جامعه به صورت تصاعدی می‌باشد. بنابراین همانطور که وقوع این جرایم با سرعت در حال افزایش می‌باشند و جامعه را درگیر خود کرده است در جهت پیشروی آنها نیز باید قدم‌های مثبتی برداشته شود. راه‌های مختلفی برای جلوگیری از افزایش بی رویه این جرایم وجود دارد، از جمله فرهنگ سازی و یا برخورد کیفری با چنین رفتارهایی که حیثیت معنوی جامعه را در کنار حیثیت معنوی اشخاص درگیر خود میکند. (جزایری فارسانی و جلیلی پیرانی، ۱۳۹۹، ۱۰۳)

آنچه که بیشتر از همه با تصویب قانون جدید کاهش مجازات حبس تعزیری قابل انتقاد می‌باشد و نمایانتر تراست، نگاه یکسان قانونگذار به جرایم توهین و افترا و تعیین مجازات واحد برای این جرایم می‌باشد. زیرا جرم افترا به نسبت جرم توهین از شرایط سخت‌تر و ماندگاری آن در افکار جامعه به مراتب بیشتر و متعاقب آن نیز نتیجه زیان بار آن مخرب‌تر می‌باشد، به گونه ای که شرایطی همچون انتساب رفتار مجرمانه و منتشر شدن عملی که مرتکب به مجنی علیه انتساب داده است و موضوعیت داشتن وسیله در تحقق این جرم همگی موید این امر می‌باشند که قانونگذار تا قبل از تصویب قانون جدید، نگاه ویژه تری به جرم افترا داشته و با تصویب قانون جدید تمام اهداف سابق به خصوص نگاه پیشگیرانه به این جرم مورد غفلت قرار گرفته و هیچگونه توجهی به آنها نشده است. و در محل بودن این جرم (افترا) و شدت آن نیز همین بس که در مجمع القوانين حمورابی برای شخص خاطی در موارد خاصی مجازات سنگین اعدام پیش بینی کرده بود اگر چه وضع قوانین و تعیین کیفر نباید صرفاً با نگاه پیشگیرانه باشد ولی باید گفت که فلسفه اصلی تعیین کیفر برای جرایم در جهت پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد. قانونگذار پیش از آنکه درصد تدوین قوانین کیفری و تعیین کیفر برای رفتارهای بزهکارانه باشد، می‌بایست اشرافیت کاملی به پیشگیری از وقوع جرم داشته و شرایط و قواعد حاکم بر جامعه را نیز مدنظر قرار داده و سپس دست به تغییر مجازات بزند و کیفر تعیین کند. زیرا جرم شناسان معتقدند که هدف اصلی تدوین قوانین جزایی و همچنین تعیین کیفر برای مرتکبین رفتارهای ناقض نظم اجتماعی دو چیز می‌باشد اول این که تناسب کیفر تعیین شده با شدت رفتاری که مرتکب انجام داده است، لحاظ شود و دوم اینکه میزان مجازات تعیین شده برای رفتار مرتکب باید به گونه ای باشد که هم بتواند بر روی

<sup>۱۳</sup> آیه ۱۰۸ سوره انعام آمده است ((ولا نسبوا الذین یدعون من دون الله... یعنی و(شما مومنان) به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید..

<sup>۱۴</sup> در روایتی امام صادق (ع) فرمودند: البداء من الجفا و الجفا فی النار یعنی فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش دوزخ قرار دارد. (کافی، جلد ۲، ۳۲۵)

مرتکب تاثیر گذاشته باشد و هم جنبه بازدارنده برای دیگر افراد جامعه داشته باشد (جزایری فارسانی و جلیلی پیرانی، ۱۳۹۹، ۱۰۴) با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ به خصوص در مورد جرم افترا که مجازات حبس و شلاق این جرم را به جزای نقدی صرف تبدیل نموده است چنین اهدافی مغفول مانده و به نظر میرسد در آینده نزدیک شکایتهای کیفری ناشی از چنین رفتاری به صورت تصاعدی افزایش یابد. (حجتیان، ۱۴۰۰: ۸۳) عدم تناسب شدید بین رفتار ارتكابی و مجازات تعیین شده در مورد افترا به نظر می‌رسد که منجر به بی کیفری شده است.

#### ۴-۲- بی کیفر شدن عملی برخی از جرایم

بی کیفر شدن عملی به شرایطی گفته می‌شود که جرم از جرایم قابل گذشت است و در قانون برای جرم ارتكابی مجازات تعیین شده است؛ لیکن مجازات تعیین شده به حدی نامتناسب و کم است؛ که شاکی هیچ انگیزه و دلیلی برای طرح شکایت و تعقیب کیفری مرتکب جرم را ندارد و از آنجا که جرم ارتكابی از جرایم قابل گذشت است و تعقیب کیفری فقط با شکایت شاکی خصوصی، صورت می‌پذیرد و شاکی خصوصی نیز با بررسی شرایط و سختی‌های تعقیب کیفری و نتیجه حاصل از آن، قید شکایت را می‌زند، در نتیجه در عمل چنین جرایمی به دلیل عدم تعقیب کیفری، بدون مجازات و کیفر باقی می‌مانند.

#### ۴-۳- بی کیفری در برخی از مصادیق شروع به جرم

قابل مجازات نبودن شروع به جرم در جرایم مهم، از آثار مهم قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است. وفق مقررات ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، چنانچه فردی در مرحله شروع به ارتكاب جرم عمدی متوقف و دستگیر شود، برای قابل کیفر بودن رفتارش لازم است که جرم مقصود و ناتمام وی مستوجب حبس درجه پنج و بالاتر از آن باشد. به بیان دیگر شروع به ارتكاب جرمی که مستوجب حبس درجه شش تا هشت باشد فاقد وصف کیفری و غیرقابل مجازات است. بزه سرقت موضوع ماده ۶۵۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌های سرقت را تشکیل می‌دهد و سابقاً مستوجب شش ماه تا سه سال حبس (درجه ۵) و شروع به ارتكاب آن نیز قابل کیفر بود. اما با تصویب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و قابل گذشت اعلام شدن این جرم، در مواردی که ارزش مال مسروقه بیست میلیون تومان و کمتر باشد و متعاقباً تنصیف حبس قانونی، مجازات به سه تا هجده ماه (درجه ۶) تقلیل یافته و لذا شروع به ارتكاب آن فاقد وصف کیفری است. (احمدزاده و تام، ۱۴۰۰: ۹۰) بنابراین در مواردی که فردی در حال سرقت از منزل است و صاحب‌خانه سر می‌رسد و موفق به متوقف کردن او و تماس با پلیس می‌شود، چون در مرحله شروع به سرقت موضوع ماده ۶۵۶ به لحاظ اینکه محل سرقت، منزل مسکونی بوده است، بوده و عملش فاقد وصف کیفری است، پلیس صرفاً باید بیاید و مرتکب را از دست صاحب‌خانه نجات داده و او را برهاند. «مشخص است که این وضعیت چه لطمه‌ای به جایگاه حقوق کیفری و کارگزاران نظام عدالت کیفری و نیز نگرش و اعتماد شهروندان به این نظام وارد خواهد آورد» (روستائی و رحمانیان، ۱۴۰۰: ۱۷۵) از این جهت شروع به جرم در موارد متعددی، فاقد قابلیت تعقیب بوده و این امر جرأت و جسارت بزهکاران را افزایش خواهد داد.

## ۵- نتیجه گیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری گامی در جهت تغییر، تبدیل، تخفیف، تعلیق مجازات حبس و در راستای کم کردن جمعیت کیفری زندان‌ها است. از بین رفتن اصل تناسب در تعیین مجازات برای برخی از جرایم از مهم‌ترین ایرادهای وارده بر این قانون است، تا جاییکه در برخی از موارد به بی کیفری نزدیک شده است. در این خصوص به طور جدی بازنگری و اصلاح قوانین موجود و پیش‌بینی یک سلسله مقررات جدید الزام‌آور خصوصاً در مورد لزوم تشکیل پرونده شخصیت و دخالت دادن تقصیر بزه‌دیده در میزان مسئولیت کیفری مرتکب امری ضروری است و صرفاً کاستن از مجازات‌های مهمی چون حبس، مانند ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، کمکی به اصل لزوم تناسب بین جرم و مجازات نمی‌کند. اگر لازم است رفتاری جرم باشد و هدف این است که با آن مقابله شود و از امنیت مالی، جانی و... شهروندان حمایت کیفری شود؛ این حمایت باید متناسب با رفتاری باشد که فرد مرتکب آن شده است. زایل شدن عنصر تناسب در این قانون موجبات جری شدن مرتکبین را فراهم نموده و ضروری است تا مجازات کاهش یافته به موجب این قانون به طریق دیگری نظارت و مراقبت بر مجرمین را فراهم می‌کند، جبران شود. در همین راستا پیشنهاد می‌گردد:

۱- پیشنهاد می‌گردد تا مقررات مربوط به کاهش مجازات حبس تعزیری، فقط در ارتباط با مجرمانی اعمال گردد که برای بار اول مرتکب جرم گردیده اند؛ زیرا کمک به مجرمان با سابقه، فقط انگیزه ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد.

۲- کاهش مجازات حبس، بدون در نظر گرفتن هیچ جایگزینی برای آن، آسیب مهمی برای جامعه است و پیشنهاد می‌گردد تا مجرم، به میزان حبس کاهش یافته با ارائه خدمات عمومی، محکوم گردد. قانون گذار خود به این معضل و مشکل اعتراف داشته است و به همین دلیل "طرح الحاق یک ماده به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری" در تیرماه سال ۱۴۰۱ ارائه شد و یک فوریت آن نیز در ۱۴۰۱/۴/۷ مورد تصویب قرار گرفت. به موجب این طرح "ماده واحده ماده زیر به عنوان ماده ۱۶ به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری افزوده می‌شود.

ماده ۱۶- مجازات‌های حبس تعزیری مربوط به جرایم مواد مخدر، در مورد محکومین فاقد سابقه کیفری موثر در جرایم مواد مخدر، به نصف کاهش می‌یابد. چنانچه دادگاه حداکثر مجازات کاهش یافته را کافی نداند می‌تواند مناسب با شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب، علاوه بر مجازات تکمیلی مقرر در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مرتکب را با رعایت شرایط زیر به یک یا چند مورد از مجازات‌های جایگزین موضوع ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر محکوم نماید. "پیشنهاد می‌شود که تعیین مجازات جایگزین حبس، که در این طرح مطرح شده است، فقط مختص به جرایم مواد مخدر نباشد و در زمان تصویب نهایی طرح به تمامی جرایم تعمیم یابد.

## منابع

۱. احمدزاده، رسول و تام، مجتبی، (۱۴۰۰)، ملاحظاتی دربارهٔ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ سوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲. امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۱)، مجموعه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
۳. باختر، سیداحمد، (۱۴۰۰)، تحلیل کاربردی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تهران: خط سوم
۴. توجهی، عبدالعلی، ابراهیم وند، ح، (۱۳۹۳)، لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۸.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر گنج دانش، چاپ بیست و هفتم.
۶. جواهری، ح، (۱۳۹۰)، بررسی و تبعات مجازات حبس در نظام عدالت کیفری و اندیشه‌های جایگزین جریمه‌های بدل از حبس، علوم تربیتی، اصلاح و تربیت، شماره ۱۱۲.
۷. جزایری فارسانی، محسن و جلیلی پیرانی، محسن، (۱۳۹۹)، نگاه پیشگیرانه به جرائم افترا و توهین با رویکرد انتقادی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مطالعات حقوق، زمستان ۱۳۹۹، دوره جدید، شماره ۱۳.
۸. حاجی تبار فیروزجانی، حسن، (۱۳۹۳)، مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول.
۹. حجتیان، محبوبه، (۱۴۰۰)، محشای قانون مجازات کاهش حبس تعزیری، تهران: دادبخش
۱۰. حسنی، محمد حسن، علیزاده، حمید، & پاریسی پور، امید. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی آدم‌ربایی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۴(۲)، ۳۸-۵۲.
۱۱. روستائی، مهرانگیز و رحمانیان، حامد، (۱۴۰۰)، مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، حقوقی دادگستری، بهار ۱۴۰۰، شماره ۱۳۳.
۱۲. سبزواری‌نژاد، حجت (۱۳۹۶)، "جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان"، دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۷ و ۷۸.
۱۳. سالارزایی، امیرحمزه. (۱۳۸۸). برداشتی دیگر از آیه ۳۳ سوره مائده. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۶(۲)، ۱۷۱-۱۹۴.
۱۴. فلاحی، احمد، (۱۳۹۳) اصل ضرورت در جرم انگاری، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۵. فتحی، حجت الله. (۱۴۰۰). مستندات قرآنی اصل تناسب جرم و مجازات. قرآن پژوهی، ۱(۲)، ۹-۲۶.
۱۶. قاضیان، مریم، میرکمالی، علیرضا و رجبی اکبر، ۱۴۰۰، تناسب جرم و مجازات در حقوق اسلام و در رویه قضایی بین‌المللی کیفری با تاکید بر محاکم رواندا و یوگسلاوی سابق، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۱، ص ۱۴۵-۱۶۶.
۱۷. گرامی، حسین؛ فرهنگ، مجتبی (۱۳۹۹)، "جستاری در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳"، فصلنامه آرا، دوره سوم، شماره اول.

۱۸. میرزایی یزدی، زهرا و موسوی، سیداسماعیل، (۱۳۹۹)، تاثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدای، قانون یار، زمستان ۱۳۹۹، سال چهارم، شماره ۱۶.

۱۹. میلکی، ایوب، (۱۳۸۵)، حبس زدایی خردگرا؛ خروج از بحران تورم کیفری، اصلاح و تربیت، شهریور ۱۳۸۵، شماره ۵۴.

۸۴

بانی قضی حقوق اسلامی

بررسی عمومی عدم تناسب در جرم انگاری حاصل از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رویکردی بر فقه امامیه

۲۰. Hadi Dachak, The Principle of Proportionality of Crime and Punishment in International Documents, International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding, Vol. ۸, No. ۴, April ۲۰۲۱.
۲۱. Hörnle, Tatjana; Dubber, Markus D., eds. (۲۰۱۴). The Oxford Handbook of Criminal Law. Oxford, UK: OUP Oxford. ISBN ۰۱۹۱۶۵۴۶۰۴.
۲۲. Schünemann, Bernd, (۲۰۰۴), The System of Criminal Wrongs: The Concept of Legal Goods and victim-based Jurisprudence as a Bridge between the General and Special Parts of the criminal Code, BUFFALO CRIMINAL LAW REVIEW, Vol. ۷, ۲۰۰۴.
۲۳. Jareborg, Nils, (۲۰۰۴), Criminalization as Last Resort (Ultima Ratio), OHIO STATE JOURNAL OF CRIMINAL LAW, ۲۰۰۴, p. ۵۲۴.
۲۴. Ashworth, Andrew, (۲۰۱۵), Sentencing and Criminal Justice, Cambridge University Press. Illustrated edition.
۲۵. Horder, Jeremy, (۲۰۱۹), Ashworth's Principles of Criminal Law, Oxford University Press, Ninth edition
۲۶. Packer, in Mike Molan, (۲۰۱۳), Modern Criminal Law, Fifth edition, first published, Cavendish Publishing.